

توصیه‌هایی کوتاه برای مدیریت مالیه شخصی (Personal Finance)

حامد قدوسی

ghodduzi@gmail.com

www.ghodduzi.com

همه ما به نوعی درگیر جریان سرمایه‌گذاری در مدت طولانی از زندگی خود هستیم. این سرمایه‌گذاری گاهی آشکار و برنامه‌شده (مثل خرید سهام و سکه و اوراق قرضه) است و گاهی به صورت ضمنی (خرید مسکن یا بیمه). در این مقاله سعی می‌کنیم برخی توصیه‌های اولیه را برای مدیریت بهتر جریان سرمایه‌گذاری شخصی ارائه کنیم.

1) سرمایه‌گذاری‌ها را به طور منطقی روی مجموعه‌ای از دارایی‌ها انجام دهید: توصیه "همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد قرار ندهید" را همه می‌دانیم و نیازی به شرح و بسط و تکرار آن نیست. تنوری سرمایه‌گذاری البته چیزی بیش از این را می‌گوید. می‌گوید نه تنها تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد قرار ندهید (همه پول‌تان را روی یک دارایی سرمایه‌گذاری نکنید)، بلکه سبدها را هم با منطق خاصی انتخاب کنید. این منطق به زبان ساده می‌گوید که اگر سرمایه‌گذاری خود را بین دارایی‌هایی که قیمت‌شان به طور متوسط در جهت‌های معکوس حرکت می‌کنند توزیع کنید قادر خواهید بود تا دامنه زیان خود را محدود کنید. به عنوان مثال طلا و قیمت سهام در برخی اقتصادها معکوس هم حرکت می‌کنند یعنی وقتی قیمت سهام افت می‌کند قیمت طلا بالا می‌رود. در این حالت کسی که پولش را بین سهام و طلا تقسیم کرده است تا حدی ریسک کارش را کم کرده چون وقتی قیمت سهام پایین می‌رود قیمت طلا افزایش می‌یابد و وقتی قیمت طلا پایین می‌رود قیمت سهام بالا می‌رود و لذا زیان‌ها تا حدی هم را خنثی می‌کنند. به عنوان یک حساب سرانگشتی توصیه می‌شود که بیش از 20 درصد دارایی خود را روی یک گروه از دارایی‌ها (مثل سهام یک شرکت یا یک نوع اوراق قرضه) سرمایه‌گذاری نکنید.

2) چندان مطمئن نباشید که مسیر حرکت بازار را درست می‌شناسید: بین ایرانیان بسیار معمول است که سرمایه‌گذاری خود را بر اساس شایعات و شنیده‌هایی مبتنی بر "بالا یا پایین" رفتن قیمت دارایی‌های خاص مثل سکه و ارز و یک سهم خاص انجام می‌دهند. سرمایه‌گذاری بر اساس این روش معمولن منجر به زیان می‌شود ولی همان طور که از روان‌شناسی سرمایه‌گذاری می‌دانیم، افراد بیش‌تر تمایل دارند تا موفقیت خود در سرمایه‌گذاری را بیان عمومی کنند تا زیان‌ها. لذا شما فقط خبر سودبرندگان را می‌شنوید و نه خیل زیان‌کنندگان را. دلیل این‌که این استراتژی کشف روند بازار چندان عملی نیست به یک مفهوم مهم بر می‌گردد به اسم بازار کارا. بازار کارا به زبان ساده می‌گوید که اگر این امکان وجود داشته باشد که با دانستن روند بازار سودهای خوبی به دست آورد، بازار منتظر نمی‌ماند تا شما این کار را بکنید و تا شما به خودتان بجنبید تقاضا برای دارایی که سود درست می‌کند آن قدر بالا می‌رود که عملن این سود از بین می‌رود. مثلن اگر همه بدانند که قیمت طلا قرار است هفته دیگر افزایش پیدا کنند آن قدر تقاضا برای خرید طلا زیاد می‌شود که قیمت فعلی آن بالا می‌رود و دیگر خرید آن سودآور نیست. معمولن این خبرها زمانی به افراد معمولی می‌رسد که کار از کار گذشته و سودهای اولیه (اصطلاح سرشیر بازار) توسط خریداران حرفه‌ای که اطلاعات پشت پرده دارند کسب شده است.

3) به میزان نقدشوندگی (Liquidity) دارایی‌هایی که می‌خرید توجه داشته باشید. نقدشوندگی به زبان ساده می‌گوید که با چه سرعتی می‌توانید یک دارایی را در بازار بفروشید و به پول تبدیل کنید. طلا و زمین دو مثال متضاد هستند. طلا را در هر جایی و هر زمانی می‌توان با سرعت (و حداکثر با اندکی تخفیف در شرایط اضطراری) می‌توان به پول تبدیل کرد ولی برای فروش یک قطعه زمین ویلایی یا خانه‌ای در حاشیه شهر یا اوراق قرضه یک طرح صنعتی ممکن است ماه‌ها

منتظر بمانید. اگر افق سرمایه‌گذاری‌تان کوتاه است و ممکن است به طور ناگهانی نیاز به پول نقد پیدا کنید (برای مثلن مخارج درمانی پیش‌بینی نشده) در این صورت مقدار بیش‌تری دارایی که نقدشوندگی بالا دارد بخرید. از آن طرف اگر سرمایه‌گذار بلندمدت هستید و مثلن دارید برای بازنشستگی سرمایه‌گذاری می‌کنید ممکن است دارایی‌هایی که نقدشوندگی کم‌تری دارند بخرید چون این دارایی‌ها معمولن با مقداری تخفیف عرضه می‌شوند و خرید آن‌ها برای بلندمدت سودآور است.

4) آسیب‌پذیری خود در مقابل زیان را به دقت در نظر بگیرید: دارایی‌های مختلف ریسک‌های مختلفی دارند و البته متناسب با ریسک‌شان هم بازده متوسط مختلفی تولید می‌کنند. هر قدر ریسک سرمایه‌گذاری بیش‌تر باشد متوسط سود آن‌هم بالاتر خواهد بود. در این بین سرمایه‌گذاران مختلف بر اساس قدرت تحمل زیان‌شان ترکیب‌های مختلفی از دارایی‌ها را انتخاب می‌کنند. سه نفر را در نظر بگیرید. فرد اول خانمی است که متاسفانه همسرش را که راننده بوده در تصادف از دست داده و حالا می‌خواهد خسارتی که از بیمه دریافت کرده را سرمایه‌گذاری کند تا بتواند مخارج زندگی خودش و دو فرزند کوچکش را تامین کند. سرمایه‌گذار دوم زوج جوانی است که بیست میلیون تومان پس‌انداز دارد و می‌خواهد وقتی پول‌تان به مقدار کافی رسید آن‌را برای پیش‌پرداخت خرید منزل صرف کند. خانواده سوم خانه شخصی دارد و هر دو نفر حقوق بازنشستگی مناسبی هم دریافت خواهند کرد ولی سعی می‌کند تا مبلغی را پس‌انداز کند تا با خرید و اجاره دادن خانه کوچک دیگری درآمد دوران بازنشستگی خودش را زیاد کرده و رفاه بیش‌تری داشته باشد. میزان تحمل ریسک از دست دادن سرمایه‌گذاری برای این سه گروه اصلن یکی نیست. زندگی خانواده تک‌سرپرست اول تنها به دارایی موجودشان وابسته است. خانواده دوم با سوخت شدن سرمایه‌گذاری باید زمان خرید منزل را به عقب بیندازد و سختی بیش‌تری بکشد ولی خانواده سوم می‌تواند با صبر کردن منتظر بازگشت ارزش دارایی خود به مقدار اولیه باشند بدون این‌که جریان اصلی زندگی‌شان مختل شود. لذا خانواده اول بهتر است از دارایی‌های ریسکی دوری کنند و روی دارایی‌هایی مثل اوراق قرضه تضمینی و یا خرید و اجاره یک منزل کوچک سرمایه‌گذاری کنند. خانواده دوم می‌خواهد مطمئن شود تا پولش در جریان تورم ناگهانی از بین نخواهد رفت و ممکن است بیش‌تر روی طلا سرمایه‌گذاری کند. خانواده سوم ممکن است سبدي از سهام ریسکی ولی آینده‌دار را انتخاب کند.

5) به بیمه به چشم سرمایه‌گذاری نگاه کنید. برای بسیاری از مردم بیمه نقش هزینه دارد در حالی‌که اگر به جریان منافع تولیدشده از بیمه دقت کنیم می‌بینیم که دقیقن همان نقشی را دارد که در توصیه اول گفتیم. فرض کنید شما شغلی دارید که نیاز به تحرک بدنی دارد (پزشک، راننده، نجار) و اگر خدای نکرده در اثر ساحت‌های قدرت بدنی را از دست بدهید دیگر نمی‌توانید منبع درآمدی برای خانواده‌تان داشته باشید. درآمد جاری و پرداختی ناشی از بیمه دقیقن به همین شکل عمل می‌کنند. در زمانی که درآمد کاری دارید درآمد بیمه صفر است و وقتی درآمد کاری ندارید از منافع بیمه استفاده می‌کنید. به این ترتیب بیمه هم یک سرمایه‌گذاری مهم است فقط با این تفاوت که بازپرداخت آن مشروط به تحقق برخی شرایط است.

6) هزینه‌های معامله سرمایه‌گذاری را در نظر بگیرید. این داستان معروفی است که ممکن است برای خیلی از ما اتفاق افتاده باشد. فردی در فرودگاه مقداری دلار را به یورو تبدیل کرد. وقت یوروها را گرفت دید که از مبلغ مورد انتظار خیلی کمتر است. دلیلش را پرسید و دید که باید 20٪ کارمزد صرافی را هم در نظر می‌گرفت (این رقم در ایران خیلی کم‌تر از کشورهای دیگر است). وقتی فهمید ضرر کرده است پشیمان شد و درخواست کرد تا همان دلارهایش را پس بگیرد. فروشنده تقریبن 60 درصد پول را به او برگرداند. خریدار عصبانی تازه فهمید که در مسیر معکوس (تبدیل یوروها به دلار اولیه) باز باید 20٪ کارمزد را می‌پرداخت. این نمونه‌ای از سرمایه‌گذاری ناموفقی است که نه تنها سودی نکرده بل‌که پول زیادی را هم به خاطر هزینه‌های معاملاتی از دست داده است. اگر سرمایه‌گذاری شما از نوعی است که نیاز به تجدید موقعیت زیادی دارد (مثلن سبد سهامی خرید‌اید که هر هفته بر اساس قیمت‌های جدید آن‌را بالانس می‌کنید) هزینه‌های کارگزاری را در نظر بگیرید. علاوه بر آن یک نکته مهم را از قلم نیندازید و آن هم ارز وقت خودتان است. نگهداری یک سبد سرمایه‌گذاری نیازمند صرف وقت است. اگر اندازه سبد شما کوچک باشد و شما شغلی داشته باشید که درآمد ساعتی از آن به دست می‌آورد ممکن است دست آخر ببینید که وقتی که برای دنبال کردن روند بازار و مدیریت سرمایه‌گذاری‌تان صرف کرده‌اید خیلی بیش‌تر از منفعتی است که از سرمایه‌گذاری به دست آورده‌اید.

7) برای خودتان اجبار سرمایه‌گذاری ایجاد کنید. بسیاری از افراد تمایل کمتری دارند تا زمانی که درآمد خوبی دارند و می‌توانند از زندگی لذت ببرند از درآمد خود بکاهند و آن را ذخیره کنند. روان‌شناسی تصمیمات مالی می‌گوید که روش‌هایی که افراد را مجبور به پرداخت منظم کند منجر به سرمایه‌گذاری بیش‌تری می‌شود. مثلاً اگر در یک صندوق سرمایه‌گذاری عضو شوید که شما را مجبور می‌کند هر ماه مبلغ قابل توجهی را پرداخت کنید و یا خانه‌ای بخرید که مجبورید اقساط آن را بپردازید احتمال بیش‌تری وجود دارد تا پول خود را سرمایه‌گذاری کنید تا وقتی که آزادانه دست به خرید سهام بزنید.

8) آمادگی زیان‌های موقت یا حتی دائمی را داشته باشید: یک رفتار معمول دیگر بین سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای وحشت از کاهش قیمت دارایی (مثلاً افت قیمت سهام) و واکنش فوری به این موضوع در قالب فروش دارایی فعلی است. دقت داشته باشید که قیمتی که یک دارایی را خریده‌اید برای تصمیم‌نگهداری یا فروش آن بی‌ربط است. فرض کنید سهامی را صد تومان خریده بودید و الان قیمت آن 70 تومان شده است. این که تصمیم بگیرید که سهم را نگه دارید و یا بفروشید ربطی به این که آن را چند خریده بودید ندارد و فقط به چشم‌انداز آینده آن بستگی دارد. اگر قیمت سهم الان به شدت کم شده ولی در بلندمدت احتمال جبران آن وجود دارد به آن دست نزنید. اجازه دهید بازار قیمت را تصحیح کند.

9) اگر می‌توانید در صندوق‌های تخصصی سرمایه‌گذاری کنید. این صندوق‌ها مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری‌های خرد را جمع‌آوری کرده و یکجا در دارایی‌های خاصی سرمایه‌گذاری می‌کنند. حسن این روش این است که چون هزینه‌های ثابت کار (مثل تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات و برخی هزینه‌های معاملاتی) بین هزاران سرمایه‌گذار صندوق سرشکن می‌شود هزینه برای هر نفر خیلی پایین می‌آید. اگر بتوانید در چند صندوق تخصصی مختلف که روی دارایی‌ها با هم‌بستگی پایین یا منفی سرمایه‌گذاری می‌کنند (مثل زمین، طلا، اوراق قرضه اسلامی و سهام صنایع خاص) سرمایه‌گذاری کنید، ریسک سید سرمایه‌گذاری خود را تا حد معقولی پایین آورده‌اید.

و دست آخر این که سرمایه‌گذاری در غیر از معدودی دارایی‌های خاص (مثلاً اوراق قرضه ملی کشورهای قوی) همیشه با ریسک همراه است. بخشی از سودی که بابت سرمایه‌گذاری دریافت می‌کند بابت قبول همین ریسک است و معنی ریسک هم همین است که ممکن است در برخی زمان‌ها با زیان رو به رو باشید. لذا اگر همه آن کارها را کردید و باز نتیجه منفی گرفتید ناامید نشوید. بخشی از هنر سرمایه‌گذاری از طریق تمرین به دست می‌آید.